





وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پژوهشکده ادبیات  
گروه زبان و ادبیات فارسی

رساله دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی  
**تصحیح تفسیر قرآن شماره ۱۱۹۳۰ مجلس شورای اسلامی از سده ششم یا هفتم  
های گوناگون‌ها، واژه نامه و فهرست هجری با مقدمه، تعلیق**

استاد راهنما  
دکتر تقی پورنامداریان

استادان مشاور  
دکتر عبدالحسین فرزاد  
دکتر ابوالقاسم رادفر

پژوهشگر  
مهین طهماسبی

آبان ماه ۱۳۹۹

فرم ارزشیابی

سپاسگزارم از استاد دانشمند و عظیم‌القدرم، جناب آقای دکتر تقی پورنامداریان که منت بر بنده نهاده، راهنمایی این رساله را بر عهده گرفتند و زمانی که در پی یافتن پاسخ برای هزاران سؤال بی‌جواب بودم، و آشوب ذهنی‌ام عنان گسیخته می‌تاخت خضر راه شدند و مرا به همت خود مدد کردند و پژوهش را در مراحل گوناگون انجام آن، هدایت فرمودند. طی این چند سال، ایشان از سر لطف و تفضل، بارها وقت ارزشمند خویش را در اختیار من نهادند و مرا با جنبه‌های تصحیح متن، آشنا کردند و نکته‌های بسیار ارزنده و وزین ایشان بود که تصحیح این متن را برای من ممکن کرد. رفق و مدارای ایشان را در برخورد با این حقیر، در شرایطی که نگارش رساله به دلیل محدودیت‌ها و موانع موجود به طول انجامید، تا آن زمان که باشم در ذهن و ضمیر خواهم داشت.

هر صبح و شام قافله‌ای از دعای خیر در صحبت شمال و صبا می‌فرستمش

از استاد ارجمند، جناب آقای دکتر عبدالحسین فرزاد که مشاوره اول این رساله را قبول فرمودند و از راهنمایی‌های ارزنده خویش؛ به‌ویژه در ترجمه ابیات عربی بهره‌مند ساختند، بسیار سپاسگزارم. از استاد گران‌مایه، جناب آقای دکتر ابوالقاسم رادفر که مشاوره دوم رساله را پذیرفتند و مرا در به ثمر رساندن این رساله یاری کردند، تشکر می‌کنم.

همچنین

از استاد ارجمند، جناب آقای دکتر جواد بشری که این نسخه ارزشمند را معرفی کردند و در شناساندن آن زحمت فراوانی کشیدند، کمال تشکر را دارم. ایشان با گشاده‌رویی و سعه صدر به سؤالات مکرر این جانب پاسخ دادند و راهنمایی‌های ارزنده ایشان در تصحیح این نسخه قابل تقدیر است. از عنایات ایشان کمال امتنان را دارم.

و در پایان:

از جانان مهربانانم، پدرم و مادرم برای مهرورزی‌ها و صبوری‌هایشان متشکرم.

دریغ که با نگارش این مسوده نیز نتوانستم ذره‌ای از حقوق تربیت و نعمت این عزیزان را ادا کنم. چگونه سر ز خجالت برآورم بر دوست که خدمتی بسزا برنیامد از دستم.

## تقدیم

پای ملخی است به بارگاه سلیمانی  
گر قبول افتد و در خور باشد  
تقدیم می‌کنم به استاد والامنشم  
جناب استاد تقی پورنامداریان

## چکیده

رساله پیش رو، تصحیح تفسیری از قرآن مجید است که تاریخ کتابت آن به سال ۸۹۸ است. مختصات زبانی و نشر قابل توجه این متن؛ همچنین برخی از کلمات و تلفظ‌های خاص اثر در خلال حجم قابل ملاحظه آن (۲۸۶ برگ ۲۱ سطر)، ضرورت تصحیح را ایجاب می نمود. مؤلف این اثر ناشناس است و در زمان کتابت این نسخه، در قید حیات نبوده است؛ ولی با توجه به برخی از ویژگی‌های زبانی می توان آن را متعلق به حوزه ماوراءالنهر دانست. روش تصحیح نسخه مذکور، چون نسخه‌ای منحصر به فرد است و تا اکنون نسخه دیگری از آن پیدا نشده است، قیاسی است و افتادگی‌های متن با توجه به تفاسیر دیگر و در مقایسه با آنها، تا جایی که به متن و ساختار آن آسیب وارد نشود، تصحیح شد. بخش پایانی رساله نیز مربوط است به تعلیقات که در آن، توضیح و شرح و معنای واژگان، اصطلاحات و عبارات دشوار آمده است.

## کلیدواژه‌ها:

تصحیح متون، تفسیر قرآن، نشر فارسی، تعلیقات و فهرست‌ها

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۴	۱- مقدمه.....
۷	۱-۱- سیر تطور تفسیر و ترجمه قرآن.....
۱۷	۱-۲- سخنی در باب تفسیر قرآن شماره ۱۱۹۳۰ مجلس شورای اسلامی.....
۲۰	۱-۲-۱- ارزش نسخه حاضر.....
۲۱	۱-۲-۲- مباحث لغوی- صرفی.....
۱۹	۱-۲-۲-۱- اختلاف قرآآت.....
۱۹	۱-۲-۲-۲- وجوه مختلف معنایی کلمات.....
۲۰	۱-۲-۲-۳- اشتقاق صرفی.....
۲۰	۱-۲-۲-۴- اسباب نزول سوره‌ها و آیه‌ها.....
۲۱	۱-۲-۳- مباحث فقهی.....
۲۱	۱-۲-۳-۱- محکّمات و متشابهات.....
۲۲	۱-۲-۳-۲- یوم المباهله.....
۲۲	۱-۲-۳-۳- غَيْرَ باغٍ وَلَا عَادٍ.....
۲۲	۱-۲-۴- مباحث کلامی.....
۲۳	۱-۲-۴-۱- ناسخ و منسوخ.....
۲۳	۱-۲-۴-۲- قدیم و حادث.....
۲۳	۱-۳- سخنی در باب مؤلف.....
۲۴	۱-۳-۱- گمانه زنی‌هایی در باب زندگی مؤلف.....
۲۴	۱-۳-۱-۱- نگاهی به واژگان به کار رفته در این متن.....
۲۷	۱-۳-۱-۲- نگاهی به منابع مورد استفاده مؤلف.....
۲۸	۱-۳-۱-۳- گرایش مذهبی مؤلف.....
۳۳	۱-۴- ملاحظات مربوط به دستور زبان و ویژگی‌های سبکی.....
۳۸	۱-۴-۱- ویژگی‌های دستوری.....
۵۰	۱-۴-۲- ویژگی‌های سبکی.....
۶۱	۱-۵- ویژگی‌های رسم الخطی.....
۶۵	۱-۶- ویژگی‌های ادبی.....
۶۷	۱-۷- نسخه اصل.....
۷۷	۱-۸- روش تصحیح.....
۸۲	۲- متن.....

- ۴۵۴ ..... ۳- تتمه
- ۴۵۵ ..... ۳-۱- تعلیقات
- ۴۹۰ ..... ۳-۲- برابر نهاده‌های عربی - فارسی
- ۴۹۵ ..... ۳-۳- واژه‌نامه
- ۵۲۰ ..... ۳-۴- کتابنامه



نوشته‌های فارسیِ بازمانده از قرون گذشته که به نظم و نثر در سرزمین و کشورهای همسایه در قلمرو وسیع فرهنگی ایران پدید آمده، سرمایه بیکران زبان و ادب و فرهنگ ما و پشتوانه حیات ملی و قوی‌ترین عامل پیوند ما با کشورهای است که پیشینه مشترک فرهنگی و مذهبی با ما دارند؛ زیرا زبان فارسی به عنوان زبان دوم در جهان پهناور اسلام است و بسیاری از منابع فرهنگ و تمدن اسلام به زبان فارسی نوشته شده است و جز به مدد زبان فارسی نمی‌توان زوایای تاریک و مبهم این فرهنگ عظیم را روشن نمود و سطر به سطر و کلمه به کلمه آن‌ها ارزش بسیار دارند و از آن میان هر چه کهن‌تر باشد، ارزنده‌ترند و بی‌اعتنایی به تصحیح و نشر این آثار، بی‌تردید ما را از بخش‌های مهمی از فرهنگ اسلام و ایران محروم خواهد کرد؛ بنابراین لازمه شناخت تحول رو به رشد زبان فارسی، آشنایی با گونه‌های زبانی و ویژگی‌های سبکی متون؛ همچنین تکمیل تاریخ زبان فارسی، تصحیح، نشر و احیای این آثار است. هدف از تصحیح متون آن است که صورتی هرچه کهن‌تر و اصیل‌تر از متن بازسازی شود و در اختیار عموم قرار گیرد؛ زیرا نه تنها رنگ و بوی لهجه بومی مفسر/کاتب یا مترجم نیز در آن‌ها به چشم می‌خورد؛ بل که این متون، گنجینه‌هایی از لغات، اصطلاحات و ترکیبات اصیل فارسی هستند که در صورت احیا، می‌توانند راهگشای حل بسیاری از مشکلات موجود در متون کهن باشند و نیز به معادل‌سازی مترجمان از این متون یاری رسانند و در ترویج این لغات؛ هم‌چنین غنی‌سازی فرهنگ لغات نقش به‌سزایی داشته باشند: «هدف و غایت نقد و تصحیح متون ادبی آن است که از روی نسخه خطی موجود، نسخه اصلی یا قریب به اصل یک اثر را احیاء و مرتب و مدون کنند و آن را به صورتی عرضه دارند که خواننده اهل تحقیق بتواند یقین و اطمینان حاصل کند که اگر یک اثر را در دست ندارد، نسخه‌ای از آن را دارد که به صورت اصلی و شکلی که مصنف و مؤلف اصل نوشته است به نهایت درجه نزدیک است» (زرین‌کوب: ۱۳۷۷، ۴۶). مینوی در مقدمه کلیله و دمنه درباره تصحیح آن کتاب آورده است: «در تهیه این چاپ انتقادی کتاب بنده در صدد این نبوده است که انشای نصرالله منشی را به صورتی درآورد که به سبک تحریر فارسی امروزی و اصطلاحات جاری این عصر نزدیک باشد، یا فارسی او را بهتر از آن کند که او نوشته بوده است، یا به افواجی از نسل‌های گذشته که الفاظ او را از نفهمیدگی یا بی‌امانتی و نادرستی تغییر داده و به غلط نقل و ترویج کرده‌اند رشوت دهم و ضبط آنان را اختیار کنم، بلکه خواسته‌ام از میان وجوه مختلفی که در نسخ دیده می‌شود آن را بیابم و ضبط کنم که به اعتقاد خودم و به دلایلی که می‌توانم اقامه کنم نوشته نصرالله منشی بوده است» (مینوی، ۱۳۷۷: مقدمه: یه - یو).

### ۱-۱ - سیر تطور تفسیر و ترجمه قرآن

تفسیرها و ترجمه‌های قرآن از صدر اسلام تا کنون به بیش از صدها جلد می‌رسد و حاصل پرداختن به هر کدام از آن‌ها حتی خلاصه‌وار، کتاب‌های چند صد صفحه‌ای می‌شود؛ زیرا می‌توانند در ذیل مباحث علمی، فقهی، کلامی، عرفانی، ادبی، تاریخی، فلسفی، اجتماعی و غیره گنجانده شوند؛ بنابراین در این رساله فقط می‌توان به ذکر مشتی از خروار اکتفا کرد. پیش از پرداختن به سیر تطور تفسیر و ترجمه، ضرورت اقتضا می‌کند به ریشه این واژه و سابقه کاربرد آن برای نخستین بار در قرآن پرداخته شود.

#### ۱-۱-۱ - ریشه لغوی واژه

واژه تفسیر در معنای اصطلاحی خود، در مفهوم شرح و گزارش کتاب‌های علمی، فلسفی و گزارش ترجمه‌های عربی کتاب‌های ارسطو و دیگر فلاسفه به کار می‌رفته است؛ اما در معنای لغوی «تفسیر» در میان علوم نقلی منحصر در شرح و کشف معانی قرآن و گزارش لغات و تعابیر آن استعمال می‌شود.<sup>۱</sup> این واژه تنها یک بار در قرآن، به کار رفته است که معنی آن شرح و تفصیل می‌باشد: «وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا»<sup>۲</sup>. لغت‌شناسان کلمه «تفسیر» را از واژه «فَسَّر» یا «سَفَّر» به معنای روشن کردن و آشکار ساختن می‌دانند. این دو واژه، از لحاظ معنایی به یکدیگر نزدیکند با این تفاوت که «فَسَّر» برای اظهار معنای معقول و مفاهیم غیر محسوس و «سَفَّر» برای نمودار ساختن اشیای خارجی و مفاهیم محسوس به کار می‌رود (راغب اصفهانی، ۱۴۰۵: ۴۷).

## ۲-۱-۱- آغاز تفسیر قرآن

شالوده تفسیر آیات قرآن، از همان زمان نزول، به موجب آیه «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»<sup>۳</sup>، به دست حضرت بنا نهاده شد. پیامبر اکرم ﷺ بر اثر پرسش‌های متعددی که از طرف مسلمین صدر اسلام مطرح می‌شد، خود در مقام توضیح و تفسیر برخی آیات برآمد. برای نمونه در صحیح بخاری آمده است: «حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَدِيٍّ، عَنْ شُعْبَةَ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ: لَمَّا نَزَلَتْ: «لَمْ يَلْسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ»<sup>۴</sup>. قَالَ أَصْحَابُهُ: وَأَيُّنَا لَمْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ؟ فَقَالَ: إِنَّ الشَّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ»<sup>۵</sup> (بخاری، ۱۳۹۱: ۱۱۰/۶). پس از پیامبر، امام علی (ع) نخستین فردی بود که به تفسیر قرآن و تبیین دشواری‌های آن پرداخت. «محققان علوم قرآنی به جایگاه بلند امام علی (ع) در تفسیر قرآن، تصریح کرده‌اند و او را صدرالمفسرین دانسته‌اند» (شاهرودی، ۱۳۸۳: ۹۶). سیوطی از ابن مسعود نقل می‌کند که: «قرآن ظاهری دارد و باطنی و باطن و ظاهر آن نزد امام علی (ع) است» (زرکشی، بی‌تا: ۱۵۷/۲). ائمه اطهار نیز در تفسیر قرآن نقش فراوانی داشتند و نقش ابن عباس نیز در دانش تفسیر غیرقابل تردید است. او از شاگردان امام علی (ع) بود (شاهرودی، ۱۳۸۳: ۹۶) و جایگاه علمی او در تاریخ به اثبات رسیده است (سزگین، ۱۳۸۰: ۵۷/۱). صحابه پیامبر نیز در رقم خوردن دوره‌ای از تفسیر قرآن تأثیر به‌سزایی داشتند و تفسیر در عهد آنان دست به دست می‌گشت و در سینه‌ها ضبط می‌گردید. صحابه آنچه را که از پیغمبر اکرم ﷺ در معانی آیات قرآنی شنیده بودند در شکل روایت مُسند نقل می‌کردند. این سیر تا عصر تابعین ادامه یافت و در عصر تابعان، تفسیر به صورت منظم و مرتب در ابواب خاص، آغاز شد و رفته رفته در دفاتر و لوح‌هایی ثبت و ضبط شد و بدین گونه در نیمه‌های قرن دوم که تدوین حدیث رواج یافت، در کنار آن تدوین تفسیر هم آغاز گردید. شاید بتوان گفت: نخستین کسی که تفسیر را در دفترها و لوح‌ها نوشت، مجاهد بن جبر (درگذشته ۱۰۱ هـ) است. ابن ابی ملیکه می‌گوید: «مجاهد را دیدم که درباره تفسیر قرآن از ابن عباس می‌پرسید و همراه خود لوح‌هایی داشت. ابن عباس به او می‌گفت: بنویس و او می‌نوشت. به همین گونه تفسیر تمامی آیات را از ابن عباس پرسید و نوشت» (تفسیر طبری، ۲۰۰۱: ۳۱/۱) و تفسیر فراء اولین

۱. رک: تفسیر سورآبادی، ۱۳۸۱: ۳/۱

۲. فرقان/۳۳

۳. نحل/۴۴

۴. انعام/۸۲

۵. لقمان/۱۳

تفسیری است که آیات قرآن را به ترتیب، تفسیر کرده و دامنه تفسیر آیه را گسترده است (امین، ۱۳۵۱: ۱/۴۰۱ و ۱۴۱). تابعین از ابعاد گوناگون به تفسیر پرداخته و در معانی قرآن از جهات متعدد بحث کرده‌اند. در حالی که تفسیر صحابه بسیار محدود بود. صحابه تنها به واژه‌شناسی، شأن نزول آیات و برخی مفاهیم شرعی می‌پرداختند تا از این نظر ابهامات موجود را برطرف سازند؛ اما، تابعین گام‌های فراتری در تفسیر برداشته و از جوانب متعددی به بحث ورود کرده‌اند. از این روست که تفسیر در این عهد شامل جنبه‌های ادبی و واژه‌شناسی و غیره در ابعاد وسیع آن شده است. آنان همچنین به بررسی تاریخ امت‌های پیشین و معاصر نزول قرآن، و تاریخ سرزمین‌هایی که مجاور جزیره العرب بودند - در حد اطلاعاتی که در این زمینه به دستشان رسیده - همت گمارده‌اند و لهجه‌ها، زبان‌ها و فرهنگ‌هایی را که به نحوی در ارتباط با قرآن بودند، مورد کاوش قرار داده‌اند. «بحث‌های کلامی‌یی که در آن روزگار به راه افتاده بود و به نحوی با آیات زیادی از قرآن ارتباط داشت؛ همچون آیات مربوط به صفات جمال و جلال خداوند، آغاز و انجام انسان و امثال آن، که این بحث‌ها نیز در دایره تفسیر واقع گردید» (معرفت، ۱۳۷۹: ۱/۳۹۴). در این دوران بسیاری از اسرائیلیات، وارد تفسیر شد (ابن خلدون، ۱۳۸۵: ۴۳۹) که «کعب الأحبار اولین مروج اسرائیلیات در دامنه گسترده است» (بیضون، ۱۳۷۹: ۲۲۲). «منابع تفسیر در عصر تابعان عبارت بود از: قرآن، احادیث پیامبر و اقوال صحابه، در نظر گرفتن اسباب النزول، لغت اصیل عربی فصیح، انواع دانش‌ها، تکیه بر اجتهاد و استناد به پاره‌ای از نصوص کتب عهدین» (معرفت، ۱۳۷۹: ۴۰۸-۴۱۱).

### ۳-۱-۱- مفسران نامی پس از تابعان

پس از تابعین، مفسران بزرگی در عرصه تفسیر ظهور کردند و آثار ارزنده‌ای خلق کردند. آنان در روند تاریخی تفسیر بسیار تأثیرگذار بودند. مفسر متن حاضر نیز به فراخور حال، هر جا مناسب دیده، به این مفسران ارجاع داده و روایات و اخباری را از آنان نقل نموده است. تعداد این مفسران بیش از آن است که به زندگینامه و آثار همه آنان پرداخته شود و سخن را به درازا کشاند، از این روی، خلاصه‌وار و تنها از کسانی نام برده می‌شود که در این متن، به گونه‌ای مؤلف از آنان بهره برده است.

#### ۳-۱-۱- ضحاک بن مزاحم هلالی، ابو القاسم خراسانی (درگذشته ۱۰۵). در تفسیر، بسیار تواناست و آراء

استوار و بی‌مانندی دارد و مفسر در چهل و نه مورد به آرای او اشاره کرده است.

#### ۳-۱-۲- ابو سعید شهر بن حوشب اشعری (درگذشته ۱۱۱هـ). احمد بن حنبل او را موثق دانسته و از او به

نیکی یاد کرده است. ترمذی از بخاری چنین نقل کرده است: «حدیث شهر بن حوشب نیکو و شأن او والا و استوار است» (عسقلانی، بی تا: ۳۷۱/۴). مفسر دو روایت از او نقل کرده است.

#### ۳-۱-۳- سدی کبیر اسماعیل بن عبد الرحمان ابو محمد قرشی کوفی (درگذشته ۱۲۸). از تابعان بزرگ

تابعان شمرده می‌شود. تفسیر او جزو بزرگترین منابع تفسیر نقلی است. جلال الدین سیوطی آن را از بهترین تفاسیر دانسته است. در این متن یازده بار از او نقل شده است.

۱. وقال الترمذی عن البخاری شهر حسن الحدیث وقوی أمره.

۴-۳-۱-۱- عطاء بن ابي رباح (۲۷-۱۱۴ ق): ابو محمد عطاء بن ابي رباح اسلم (سالم) بن صفوان از برجسته‌ترین فقهای مکه و از پارسایان واقعی به شمار می‌رود. مفسر در دو مورد از او نام برده است.

۵-۳-۱-۱- مقاتل بن سلیمان بن بشیر اُزدی بلخی (درگذشته ۱۵۰). «تفسیر کبیر» کهن‌ترین تفسیر کامل و پیوسته به شیوه نقلی - نظری از اوست که پیشگام تفاسیر جامع و کامل است. جمع موضوعی آیات و وفق دادن میان آیات به ظاهر متعارض، از ویژگی‌های این تفسیر است. مقاتل، تنها به گردآوری آرای سابقین بسنده نکرده؛ بلکه آنها را مورد نقد و بررسی قرار داده و آنچه به نظرش درست آمده برگزیده است و تفسیر خود را بر این اساس تألیف نموده است. مفسر از آرای او بسیار بهره جسته و در هشتاد و پنج مورد به نقل قول او پرداخته است.

۶-۳-۱-۱- فراء: ابو زکریا یحیی بن زیاد (درگذشته ۲۰۳): تفسیری به نام «معانی القرآن» دارد که اخیراً در سه جلد به چاپ رسیده است. مؤلف همچنین از صاحبان تفاسیر عرفانی از جمله تستری و قشیری نقل سخن کرده است که اشاره‌ای کوتاه به این دو تفسیر می‌شود. در این متن پنج مورد به او اشاره شده است.

#### ۷-۳-۱-۱- تفسیر تستری

تفسیری است در قرن سوم هجری که از نزدیک‌ترین تفاسیر قرآن به عصر نزول است. رنگ و لعاب عرفانی و نیز اشتغال آن بر جنبه‌های کلامی و ادبی بر اهمیت آن می‌افزاید. تستری در این تفسیر ضمن تأکید بر صبغه عرفانی، از حدیث و لغت نیز بهره برده است. وی قرآن را به شیوه صوفیان و اهل تأویل تفسیر می‌کرد و روش او، رفته رفته میان صاحبان دلان و اهل ذوق رواج یافت (معرفت، ۱۳۷۹: ۳۸۳/۲). در این متن تنها دو بار به او اشاره شده است.

#### ۸-۳-۱-۱- تفسیر قشیری

استاد امام عبدالکریم بن هوازن قشیری (۳۷۶-۴۶۵ ه.ق) یکی از بزرگ‌ترین عالمان، عارفان و متکلمان بزرگ قرن پنجم هجری قمری است که آثار فراوانی به او نسبت داده شده است. مهم‌ترین اثر عرفانی او، رساله قشیری است. این کتاب چه در زمان مؤلف و چه پس از او، از مهم‌ترین متون صوفیه بوده که عارفان و صوفیان همواره به آن توجه کرده‌اند. مفسر در شش مورد به سخن او استناد کرده است.

#### ۴-۱-۱- آغاز ترجمه قرآن

با نفوذ و گسترش اسلام در سرزمین‌های دیگر و ناآشنایی آنان با زبان عربی، نیاز مسلمانان به ترجمه‌هایی از قرآن به زبان غیرعربی بیشتر شد، اگرچه نفوذ زبان عربی از طریق تمدن اسلامی باعث شد که بسیاری از حکما و فقها و مورخان، آثار گرانبهایی به زبان عربی بنویسند؛ ولی با تشکیل حکومت‌های مستقل ایرانی و هم‌چنین ضعف خلفای عباسی، زبان فارسی رونق گرفت و در زمان سامانیان، قرآن به زبان فارسی ترجمه شد. زبان پارسی تا قرن چهارم از آمیزش با زبان عربی تا حدی مصون مانده و لغات تازی در آن اندک بود. از قرن پنجم به بعد به تدریج با لغات عربی درآمیخت و در قرن ششم

زیادتر شد و نویسندگان فارسی زبان؛ به‌ویژه دبیران و نامه‌نگاران و ادیبان به عربی نویسی روی آوردند؛ گر چه وراوینی در دیباچهٔ مرزبان نامه، زبان پارسی را زبان نازل می‌داند: «و در عجم ماعدای کلیله و دمنه کتابی دیگر مشحون به غرایب حکمت و محشوّ به رغایب عظمت و نصیحت مثل آن نساخته‌اند و آن را بر نه باب نهاده، هر بابی مشتمل بر چندین داستان به زبان طبرستان و پارسی قدیم باستان ادا کرده و آن عالم معنی را به لغت نازل و عبارت سافل در چشمها خوار گردانیده» (وراوینی، ۱۳۸۹: ۲۰)؛ اما در همان قرون اولیه اسلامی ترجمهٔ قرآن به زبان پارسی آغاز شد؛ زیرا برای گسترش اسلام در سرزمین‌های غیرتازیان باید فرمان خدای را - عَزَّوَجَلَّ - به لغتی که ایشان بدان راه یابند، ترجمه کرد. شهفور ابوالمظفر اسفراینی در مقدمهٔ تفسیر تاج التراجم تصریح کرده است که تاریخ نخستین ترجمهٔ فارسی به روزگار پیامبر می‌رسد: «و از بهر این معنی بود که سلمان فارسی از مصطفی ﷺ دستوری خواست تا قرآن به پارسی به قوم خویش نویسد، وی را دستوری داد. چنین گفتند که وی قرآن نوشت و پارسی آن در زیر آن بنوشت» (مهدوی، ۱۳۴۵: ۱۸۵). اسفراینی نیز بر ضرورت ترجمهٔ قرآن تأکید کرده و منفعت سواد اعظم را در آن دانسته است: «معلوم همهٔ خردمندان آنست که عرب و تازی شناسان از هر گروهی اندر عدد کمتر باشند از کسانی که تازی شناسند. و واجب آن است که دین و شریعت و معنی وحی خدای - عَزَّوَجَلَّ - با ایشان رسد، و هرگز آن تمام نیاید مگر بدان که فرمان‌های خدای تعالی، ایشان را به لغتی که ایشان بدان راه برند، ترجمه کنی، تا منفعت آن اندر دو جهان با ایشان برسد که بیشترین خلق اند، و سواد اعظم اند، و به هیچ حال نشاید که ایشان را محروم گردانی... مقرر شد بدین جمله که یاد کردیم فضیلت ترجمه کردن قرآن و معلوم شد که اندر حالی، فرض کفایت است تا معظم خلق محروم نگردند از منفعت کتاب خدای عزوجل و اندر حالی از جملهٔ فرض اعیان است» (اسفراینی، ۱۳۷۵: ۸/۱).

مصححان تاج التراجم، ترجمه و تفسیر فارسی را به لحاظ شکل و شیوهٔ آن به سه دوره تقسیم کرده‌اند. دورهٔ نخست که بر اثر نیاز مبرم فارسی زبانان مسلمان به ترجمهٔ قرآن مجید، از صدر اسلام آغاز شد تا سدهٔ پنجم هجری ادامه یافت. در این دوره، در هر گوشه و کنار ایران، ترجمه‌هایی تحت‌اللفظی و لغوی پرداخته می‌شد و مترجم، با توجه به خصایص گونه‌ای زبان فارسی که در محل او متداول بود، معادل و برابرای لغوی کلمات قرآنی را کلمه به کلمه در زیر آیه‌ها می‌نوشت. دومین دورهٔ ترجمهٔ قرآن مجید که بیشتر توأم با دیدگاه‌های تفسیری بوده است از میانهٔ سدهٔ پنجم هجری آغاز می‌گردد. در این دوره، برخی از مترجمان قرآن، نقص تراجم دورهٔ پیشین را دریافته و به ترجمهٔ تفسیری قرآن اهتمام کرده‌اند. سوای دو گروه مذکور عده‌ای نیز به ترجمهٔ قرآن همراه با تفسیر آن توجه کردند (اسفراینی، ۱۳۷۵: سه - هفت). در این مسیر طولانی، به قطع و یقین، قرآن‌های مترجم فراوانی به‌وجود آمده‌اند و چه بسا که در طاقچهٔ خانه هر مؤمنی یک یا چند نسخه از آن‌ها وجود داشته است و آن را چون جان می‌داشته‌اند. در طول زمان این قرآن‌های مترجم دست به دست می‌گشته‌اند و احتمال در این دست به دست شدن‌ها آسیب می‌دیده و یا گرد زوال بر چهرهٔ آنان می‌نشسته است. از این ترجمه‌ها و تفسیرها به ندرت دوره‌ای کامل باقی مانده است: «با آن‌که همهٔ این ترجمه‌ها و تفسیرها از نظر مطالعات اسلامی حائز اهمیت تواند بود، ولی آنچه از نظر بررسی زبان فارسی و تحول آن در روزگاران پیشین دارای ارزش فوق‌العاده است، ترجمه‌ها و تفسیرهایی است که حداکثر تا پایان قرن ششم هجری ترجمه یا تألیف شده است و لو از هر یک از آن‌ها فقط چند ورق باقی مانده باشد» (متینی، ۱۳۵۲: هشت).

بیشتر و شاید همه ترجمه‌ها و ترجمه - تفسیرهای شناخته قرآن از کهن‌ترین ترجمه - تفسیر شناخته پارسی؛ یعنی ترجمه تفسیر طبری، تا تفسیر ابوالفتوح و کشف الاسرار و تفسیر نسفی و فرهنگ‌نامه‌های قرآنی در همین شصت - هفتاد سال اخیر چاپ و نشر شده‌اند. این ترجمه - تفسیرها در شناخت و آگاهی از نحله‌های مختلف مذهبی و فرهنگی و بسیاری از ویژگی‌های واژگانی و ساختاری و آوایی، جایگاه والایی دارند. نویسندگان این ترجمه - تفسیرها، از گونه‌ها و گویش‌های حوزه‌های زبانی خویش بسیار بهره گرفته‌اند و طبعاً با این کار توانسته‌اند شمار بسیاری از گونه‌ها و گویش‌های حوزه‌های جغرافیایی ایران را در دوره‌های مختلف تاریخی برای ما زنده نگه دارند. و این امتیازها و برتری‌های این گروه از متن‌ها، بر نوشته‌ها و دیگر آثاری است که از زبان و ادب فارسی برجای مانده است و همه یا بیشتر آن‌ها به زبان معیار یا زبان نوشتاری و ادبی تألیف شده‌اند.<sup>۱</sup> به هر حال آثاری که به دست ما رسیده‌اند بیش از آن است که معرفی آن‌ها در این وجیزه گنجانده شود؛ از این رو به اهم آن‌ها به اختصار پرداخته می‌شود.

#### ۱-۴-۱-۱ - قرآن مترجم قدس

دکتر رواقی عمر این ترجمه را، با توجه به قرائن و به لحاظ زبان ویژه‌اش، بیش از هزار سال برآورد کرده و کهن‌ترین برگردان قرآن به فارسی می‌داند و احتمال می‌دهد پیش از ترجمه طبری و شاهنامه فردوسی است (رواقی، ۱۳۶۲: ۳). «این ترجمه، بیش از صدها واژه ناشناخته کهن دارد که در هیچ یک از فرهنگ‌های فارسی، از لغت فرس اسدی گرفته تا لغت‌نامه دهخدا و فرهنگ معین، یادی از آن‌ها نشده است» (همان). رواقی، زبان این ترجمه را با هیچ کدام از برگردان‌های کهن قرآن سنجیدنی نمی‌داند: «انبوه واژه‌های ناشناخته کهن که در دل این متن نهفته است از کهنگی آن حکایت‌ها دارد و بسیاری از واژه‌ها و صورت‌های صرفی که در این ترجمه ارجمند به کار گرفته شده است، به زبان فارسی میانه نزدیک‌ترست تا به زبان یا گونه‌های شناخته فارسی کهن و با زبان پهلوی پیوستگی بیشتر دارد تا با زبان فارسی قرن چهارم» (همان: ۶). رواقی این قرآن را متعلق به حوزه سیستان می‌داند: «سازگاری و هم‌خوانی واژه‌ای و ساختاری ترجمه سوره مائده با قرآن ما حدس و گمان ما را درباره این دو متن به حوزه سیستان تقویت می‌کند» (رواقی، ۱۳۶۴: سی و پنج).

#### ۱-۴-۱-۲ - تفسیر ابوعلی جبائی

صاحب کتاب «الحضارة الاسلامية في القرن الرابع الهجري أو عصر النهضة في الاسلام»، ابوعلی جبایی، معتزلی مشهور قرن سوم را مؤلف تفسیری با نام «تفسیر ابوعلی جبایی» به زبان فارسی می‌داند: «يقال إن الجبائي «المتوفى عام ۳۰۳ هـ - ۹۱۵ م»، إلف تفسيراً للقرآن بالفارسية» که ظاهراً چیزی از آن در دست نیست (متز، ۱۳۸۷: ۳۷۲/۱).

#### ۱-۴-۱-۳ - ترجمه تفسیر طبری

۱. رک: فرهنگ‌نامه بزرگ قرآنی

ترجمه تفسیر طبری (۳۵۰ تا ۳۶۵ هجری) در هفت مجلد در سال‌های (۱۳۳۹-۱۳۴۴) به کوشش شادروان حبیب یغمایی و به سرمایه دکتر یحیی مهدوی در انتشارات دانشگاه تهران نشر شد. این اثر را نخستین نگاهشده در تاریخ نگاهشده‌های فارسی درباره قرآن و در عین حال یکی از کهن‌ترین نگاهشده‌های فارسی می‌دانند که تاکنون به دست ما رسیده است (برگل، ۱۳۶۲: ۹۷/۱). این تفسیر در زمان سامانیان، به زبان فارسی ترجمه شد: «تفسیر طبری... نبشته به زبان تازی و به اسنادهای دراز بود، و بیاوردند سوی امیر سید مظفر ابوصالح منصور بن نوح بن نصر بن احمد بن اسمعیل - رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ - پس دشوار آمد بر وی خواندن این کتاب و عمارت کردن آن به زبان تازی و چنان خواست که مرین را ترجمه کند به زبان پارسی. پس علمای ماوراءالنهر را گرد کرد و این ازیشان فتوی کرد که روا باشد که ما این کتاب را به زبان پارسی گردانیم؟ گفتند: روا باشد خواندن و نبستن قرآن به پارسی مر آن کس را که او تازی نداند» (ترجمه تفسیر طبری، ۱۳۹۳: ۵).

#### ۴-۱-۱ - متنی پارسی از قرن چهارم هجری

رجائی این متن را با توجه به مقایسه‌هایی که با تاریخ طبری کرده است و به دلیل وجوه اشتراک این متن و تاریخ طبری احتمال داده است که متعلق به قرن چهارم است: «علائم نسخه‌شناسی چون شیوه خط و نوع کاغذ و چگونگی و اسلوب تذهیب و دیگر مشخصات، تحریر نسخه را به اواخر قرن ششم و اوائل قرن هفتم می‌کشاند اما کهنگی واژه‌ها، فصل و وصل‌ها، نوع ترکیبات، ادات و حروف و پسوند و پیشوندها و اسلوب سخن از این حد بسیار قدیم‌تر می‌نمود خاصه که شباهتی در شیوه نگارش بین این ترجمه و ترجمه تفسیر طبری که در نیمه قرن چهارم نوشته شده است مشهود بود» (رجائی، ۱۳۵۵: ۷).

#### ۵-۱-۱ - تفسیری بر عَشْرِي از قرآن مجید

بخشی از تفسیری کهن به زبان فارسی است که از قرن چهارم هجری به بعد به زبان فارسی تألیف و یا ترجمه شده است. این کتاب در سال ۱۳۵۲ به تصحیح جلال متینی چاپ شده است.

#### ۶-۱-۱ - قرآن موزه پارس

ترجمه قرآن موزه پارس ترجمه فارسی بسیار کهنی از قرآن است. یک نسخه از این ترجمه در دست است و در موزه پارس شیراز نگهداری می‌شود. نسخه موجود حاوی ترجمه متن قرآن از سوره مریم تا پایان کتاب (سوره ناس) است؛ یعنی نیمه دوم کتاب. مترجم، محل ترجمه، و زمان ترجمه هیچ‌یک معلوم نیست. با نظر در زبان ترجمه گمان بر این است که این ترجمه متعلق به اوایل سده پنجم هجری قمری است. گستردگی واژه‌های فارسی به‌کاررفته در این متن در خور توجه است. این قرآن مترجم در سال ۲۵۳۵ به کوشش علی رواقی به چاپ رسید.

#### ۷-۱-۱ - تفسیر قرآن پاک

یکی از کهن‌ترین تفسیرها به زبان فارسی است که آیه‌های ۶۵ تا ۱۵۱ سوره بقره، از آن به جای مانده است. این تفسیر در چهل و شش برگ متعلق به گنجینه نسخ خطی محمود خان شیرانی (۱۹۴۳م) در پنجاب لاهور است. در میان ترجمه - تفسیرهای شناخته شده فارسی کمتر ترجمه - تفسیری هست که از نگاه واژگانی، با این متن هم خوانی داشته باشد و می‌توان گفت هنوز پاره‌ای از واژه‌های آن در هیچ یک از ترجمه‌ها و تفسیرهای موجود دیده نشده است. این تفسیر در دی ماه ۱۳۴۴ به همت شادروان مجتبی مینوی جزء انتشارات بنیاد فرهنگ ایران به چاپ رسید و بار دیگر علی‌رواقی در سال ۱۳۴۸ آن را چاپ کرد.

#### ۹-۴-۱-۱- تاج التراجم فی التفسیر القرآن للأعجم

ترجمه - تفسیری است از قرآن به زبان فارسی نوشته ابوالمظفر عمادالدین شهنشاه بن طاهر بن محمد معروف به اسفراینی، فقیه، مفسر و متکلم قرن پنجم. «در میان نگارش‌های تفسیری دومین تفسیر مورخ در زبان فارسی و به اعتباری دیگر تاج-التراجم نخستین تألیف در حوزه تفسیر قرآن به زبان فارسی است که روزگار نگارنده و نگارش آن که به احتمال قریب به یقین بین سال‌های ۴۳۰ تا ۴۶۰ هجری بوده در تاریخ نگارش‌های فارسی محقق است؛ زیرا ترجمه تفسیر طبری برگردانی است تلخیص شده از اصل عربی تفسیر ابن جریر و دیگر ترجمه‌های محض و ترجمه‌های تفسیری مانند چند برگ تفسیر قرآن عظیم، تفسیر کمبریج، تفسیر قرآن پاک، تفسیر شنقشی و تفسیر آهنگین و امثال آن‌ها از نظر کتابشناسی تاریخی، تا کنون روزگار نگارش آنها روشن نیست» (اسفراینی، ۱۳۷۵: دوازده). تا امروز تنها نیمی از این تفسیر با مقدمه و تعلیقات نجیب مایل هروی و علی اکبر الهی خراسانی در سال ۱۳۷۴ به چاپ رسیده است.

#### ۱۰-۴-۱-۱- بخشی از تفسیری کهن

نسخه ای است از تفسیر قرآن که فقط شصت ورقی از آن به جا مانده است. همه این اوراق مربوط است به تفسیر سوره بقره. انشای آن به قبل از چهارصد هجری برمی‌گردد. این نسخه مشتمل بر دو پاره است که پاره نخستین، بخشی است از تفسیری ناتمام بر سوره بقره (آیه ۷۸ تا آیه ۲۷۴)، و پاره دوم نیز ترجمه‌ای است از همان آیه‌ها از آن سوره. در این متن نخست آیه قرآن آمده و سپس ترجمه و تفسیر آن؛ اما در زیر آیه‌ها به خطی تازه‌تر و نزدیک‌تر به زمان ما، ترجمه‌ای بازنویس شده است. این دو ترجمه همانند یکدیگر نیست. این کتاب در سال ۱۳۵۱ با مقدمه و تصحیح محمد روشن از سوی انتشارات بنیاد فرهنگ ایران چاپ شد.

#### ۱۱-۴-۱-۱- بخشی از تفسیر کهن به پارسی

با همه حجم اندکش، که تنها نزدیک به ده سوره از قرآن را دربردارد، در سنجش با دیگر متن‌های حوزه هرات، از ارزشمندترین ترجمه - تفسیرهایی است که از این حوزه زبانی و جغرافیایی تا کنون شناخته و دست‌یاب شده است. ویژگی - های زبانی کتاب در سنجش با دیگر نوشته‌هایی که از این حوزه می‌شناسیم، برای ما روشن می‌کند که این متن کهن یکی از



کمیاب‌ترین متن‌های شناخته شده‌ایست که در حوزه هرات نوشته شده و در بردارنده بسیاری از واژگان گونه هروی قدیم است. این کتاب در سال ۱۳۷۵ از سوی دفتر نشر میراث مکتوب به تصحیح شادروان مرتضی آیت الله زاده شیرازی و با مقدمه‌ای درباره گونه هروی و فهرستی دوسویه، قرآنی - فارسی و فارسی - قرآنی از علی رواقی منتشر شده است.

#### ۱۲-۴-۱-۱- تفسیر کمبریج

نسخه‌ای منحصر به فرد، به تصحیح جلال متینی از سوی انتشارات بنیاد فرهنگ ایران در سال ۱۳۴۹ به چاپ رسیده است. این کتاب در اصل در چهار مجلد بوده است که در طی روزگاران مجلدات اول و دوم آن مفقود گردیده است و فقط مجلدات سوم و چهارم آن به جا مانده است. متینی، اسلوب کلی نگارش کتاب را با شیوه نگارش آثار منشوری که در قرن چهارم و پنجم و ششم هجری در خراسان تألیف گردیده، یکسان می‌پندارد و نیز وجود لغات و ترکیبات مشترک در این کتاب و آثاری چون ترجمه تفسیر طبری، تاریخ بلعمی، هدایة المتعلمین فی الطب و امثال آن را قرینه‌ای بر خراسانی بودن مؤلف می‌داند. متینی بر آن است: «به نظر نگارنده این سطور، کتاب حاضر در ردیف آثار کهن منشور زبان فارسی است که حدود تألیف آن حداکثر از نیمه اول قرن پنجم تجاوز نمی‌کند» (متینی، ۱۳۴۹: بیست و پنج).

#### ۱۳-۴-۱-۱- تفسیر سوراآبادی (تفسیر التفاسیر)

تفسیری کهن از قرآن به پارسی، نوشته ابوبکر عتیق نیشابوری (قرن پنجم) معروف به سوراآبادی یا سوربانی است. به تصحیح سعیدی سیرجانی در سال ۱۳۸۱ از سوی فرهنگ نشر نو در پنج مجلد به چاپ رسید. این تفسیر پس از تفسیر طبری و تاج التراجم فی التفسیر القرآن للأعجم سومین تفسیر قرآن به زبان فارسی است. تفسیری کامل از قرآن که دارای نثری روان و مشتمل بر لغات و اصطلاحات و صورت‌های خاصی از کلمات است.

#### ۱۴-۴-۱-۱- قصص قرآن

این کتاب گزیده تفسیر سوراآبادی است که بخش‌های داستانی آن انتخاب شده‌اند. کتاب مذکور با اهتمام دکتر یحیی مهدوی از طرف دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۷ به چاپ رسیده است.

#### ۱۵-۴-۱-۱- تفسیر بصائر یمینی

یکی از ارزشمندترین تفسیرها، از مجموعه تفسیرهای فارسی از قرن پنجم و ششم است که به دست ما رسیده است. مؤلف آن ظهیرالدین محمد بن محمود نیشابوری الغزنوی در قرن ششم هجری قمری است. این تفسیر از ترجمه-تفسیرهای متفاوت با دیگر تفسیرهای سده ششم است که با نثری روان به نگارش درآمده است. جلد نخست آن در سال ۱۳۵۹ به تصحیح علی رواقی از سوی انتشارات بنیاد فرهنگ ایران به چاپ رسید و دوره سه جلدی آن در سال ۱۳۹۸ به چاپ رسیده است.

#### ۱۶-۴-۱-۱- تفسیر نسفی

ترجمه - تفسیری کهن به پارسی است، به نثری موزون و مسجع به قلم امام ابوحنفص نجم‌الدین عمر بن محمد نسفی (۴۶۲-۵۳۸) نوشته شده است. تصحیح این ترجمه - تفسیر برای نخستین بار به همت شادروان دکتر عزیزالله جوینی سامان پذیرفت.

#### ۱۷-۴-۱-۱- لطائف التفسیر

چهارمین تفسیر جامع و کامل قرآن به زبان فارسی است که فخرالاسلام ابونصر احمد بن الحسن بن احمد بن سلیمان درواجکی تصنیف و تألیف کرده است. مصنف کار خود را در روز نهم شوال ۵۱۹ هجری قمری آغاز کرده است. این تفسیر از نظر قدمت چهارمین تفسیر قرآن کریم است که بعد از ترجمه تفسیر طبری و تاج‌التراجم و سورآبادی قرار می‌گیرد. جلد یکم این تفسیر به تصحیح و تحقیق عبدالله رادمهر و عبدالله غفرانی در سال ۱۳۹۵ به همت بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی چاپ شده است.

#### ۱۸-۴-۱-۱- کشف الأسرار و عُدَّة الأبرار (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری)

تفسیری از قرن ششم (۵۲۰ ه.ق.) که در سال‌های ۱۳۳۱ تا ۱۳۳۹ به سعی و اهتمام شادروان علی اصغر حکمت و با همکاری ده تن از محققان و استادان در ده جلد از سوی انتشارات دانشگاه تهران چاپ شد. این تفسیر ارزشمند از قدیمی‌ترین تفسیرهایی است که برای نخستین بار در ترجمه - تفسیرهای قرآن در نوبت سوم آن، که تفسیر عرفانی این متن است، کوشیده است تا شریعت و طریقت را به هم پیوند دهد. فراهم آورنده آن، ابوالفضل رشیدالدین میبیدی است. شاید به اعتبار آن که ویژگی‌های گونه‌هروی را در بردارد، به نام تفسیر خواجه عبدالله انصاری شناخته شده است. رشید الدین میبیدی در این کتاب در نوبت اول، ترجمه تحت اللفظی از قرآن را آورده است که از نگاه زبانی، ویژگی‌های حوزه‌هرات را در خود دارد. سپس در نوبت دوم، عقاید مفسرین و تحقیقات اهل فن را درباره تفسیر همان قسمت شرح می‌دهد و در بخش سوم به بیان نکات عرفانی می‌پردازد.

#### ۱۹-۴-۱-۱- روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن (معروف به تفسیر ابوالفتوح رازی)

از جمال‌الدین ابوالفتوح حسین بن علی بن محمد خزاعی نیشابوری رازی از مفسران و محدثان بزرگ شیعه در قرن ششم هجری قمری می‌باشد. این ترجمه - تفسیر گران‌قدر و دایرة‌المعارف‌گونه، بارها چاپ شده است. آخرین چاپ آن در بیست مجلد و با تصحیح و مقابله با ۳۸ نسخه کهن به کوشش و تصحیح محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح در سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۶ از سوی بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی منتشر شده است.

#### ۲۰-۴-۱-۱- گزاره‌ای از بخشی از قرآن کریم (تفسیر شنقشی)

کتاب مذکور به اهتمام و تصحیح محمدجعفر یاحقی از سوی انتشارات بنیاد فرهنگ ایران در سال ۲۵۳۵ چاپ شده است. این قرآن مترجم، نزدیک به ثلثی از قرآن کریم است همراه با گزارشی استوار و دلپذیر. جزو کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد بود.

#### ۲۱-۴-۱-۱- قرآن ماهان

قرآن مترجم ماهان، نسخه منحصراً به فرد است که در موزه آستانه شاه نعمت الله ولی، در شهر ماهان محافظت می‌شود. این قرآن مترجم به تصحیح دکتر محمود مدبری در سال ۱۳۸۳، از سوی دانشگاه شهید باهنر کرمان چاپ و نشر شده است.

#### ۲۲-۴-۱-۱- تفسیر منهج الصادقین

تفسیر منهج الصادقین تألیف ملا فتح الله کاشانی از تفسیرهای ارجمند شیعه است که در سال ۹۸۲ به زبان فارسی روان نگاشته شده است.

نمونه‌های متعدد دیگری که همه به حق جلوه‌گری کرده‌اند و شایسته زیستن هستند و اگر هزاران نمونه دیگر نیز وجود داشته باشند که هنوز دست مصححی به آنها نرسیده باشد و به چاپخانه پای نگذاشته و رنگ و روی اوزالید را ندیده و با بوی مرکب و بوی کاغذ نمور هنوز دست و پنجه نرم نکرده باشند باز هم ارزشمند هستند و باید همه را بر منصفه ظهور نشانند تا به دست اهلبش برسند و کلام آخر آن است که شادروان رجایی گفت: «به نظر بنده اگر همه قرآن‌های مترجم و تفسیرهای قرآن مجید به زبان فارسی، اگر چه از هر یک از آنها چند برگ بیش باقی نمانده باشد، در کمال دقت و سرعت به طبع برسد و در اختیار اهل فضل و تحقیق قرار بگیرد، به مطالعات زبانشناسی و تحقیقات و تبعات لغت‌شناسی و لهجه‌شناسی فارسی مددی بزرگ خواهد رسید؛ زیرا در بیشتر این کتاب‌ها، صبغه لهجه محلی مترجم یا مفسر هر اثر آشکارا به چشم می‌خورد. اکثر این آثار مربوط به روزگاری است که هنوز لفظ محاوره از قلم جدا نشده بوده است. خراسانی، ماوراءالنهری، عراقی، آذربایجانی، فارسی، خوزستانی و رازی همه به یک زبان متحدالشکل (Standard) چیز نوشته‌اند؛ به همان ترتیب که همه ایشان به یک لهجه معین فارسی سخن نمی‌گفته‌اند. امروز از روی نوشته ایشان می‌توان به سادگی به اختلاف لهجه آنان پی برد» (رجایی، ۱۳۴۷: ۷-۸).

#### ۲-۱- سخنی در باب تفسیر قرآن شماره ۱۱۹۳۰ مجلس شورای اسلامی

گزینش تفسیر قرآن شماره ۱۱۹۳۰ مجلس شورای اسلامی برای تصحیح به زمانی برمی‌گردد که پژوهشگر شوق یافتن اثری مورد پسند خویش در سر داشت و می‌خواست از یک سو در تصحیح، نشر و احیای فرهنگ غنی اسلامی - ایرانی سهمی، گرچه ناچیز، داشته باشد و از دیگر سو، پژوهشی انجام دهد که در خور أخذ مدرک دانش‌آموختگی وی باشد. در این سودا بودم که در ماهنامه گزارش میراث ( فروردین و تیرماه ۱۳۹۲، شماره‌های ۵۶ و ۵۷) که به معرفی نسخه‌های خطی ارزشمند برای تصحیح و چاپ می‌پردازد، به مقاله شایسته «بایسته‌های تصحیح» از دکتر جواد بشری برخورددم که به معرفی این نسخه

پرداخته بودند و آن را بایسته تصحیح و پژوهش می‌دانستند و به مصداق مصرع معروف: «مشک آن است که خود ببوید» با تورق اوراقي از آن، این نسخه، خود مهر تأییدی بر نظر نویسنده مقاله زد و ارزندگی آن بر من آشکار شد، اما تک نسخه بودن آن مایه ایجاد تردید و واهمه‌ای در پژوهشگر بود؛ چراکه این نوع تصحیح، تلاش مضاعفی را می‌طلبید و چه بسا ممکن بود که از این تحقیق، کاری نابه‌سامان و خام حاصل گردد. با علم به این موضوع، به پشتگرمی این حقیقت که: گر مرد رهی میان خون باید رفت \* و ز پای فتاده سرنگون باید رفت \* تو پای به راه در نه و هیچ می‌رس \* خود راه بگویدت که چون باید رفت؛ با توکل بر حضرت حق، پای در این راه نهادم و نسخه مذکور را تهیه کرده و مشغول کار شدم. با وجود جست‌وجو در کتابخانه‌های متعدد و فهرست نسخ خطی، متأسفانه موفق به یافتن نسخه‌های دیگری نشدم، امید است که در آینده‌ای نه چندان دور بتوان به نسخه‌های دیگری از این متن ارزشمند دست یافت.

تفسیری که اکنون در دست دارید، تفسیری منحصر به فرد، به قطع وزیری در ابعاد ۱۶ × ۲۴/۵ با جلد تیماج قهوه‌ای روشن، عطف و گوشه‌ها تیماج آبی و به خط نسخ و ۲۸۶ برگ است که در هر برگ ۲۱ سطر<sup>۱</sup> هست. آیات به خط ثلث و برگ اول نونویس است. از این نسخه فقط یک مجلد در دست است که از ابتدای سوره بقره شروع و به آیه «إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ» در سوره نساء ختم می‌گردد. این نسخه بدون شک مجلدات دیگری هم داشته که متأسفانه در دست نیست. جواد بشری در بایسته‌های تصحیح، به قرینه زبان کهن این اثر و قدمت نسخه (مورخ ۸۹۸ق) احتمال داده است که این تفسیر متعلق به «سده ششم یا هفتم» باشد. آنچه مسلم است مؤلف اثر در زمان کتابت این نسخه، در قید حیات نبوده است چون در این نسخه در چند موضع، از جمله دعایی - رَحِمَهُ اللَّهُ - برای مصنف، استفاده کرده است: «قَالَ الشَّيْخُ الْإِمَامُ الْمَصْنُفُ - رَحِمَهُ اللَّهُ - الْكَلَامُ فِي هَذِهِ الْآيَةِ عَلَى سَبْعَةِ أَوْجِهٍ الْأَوَّلُ فِي بَيَانِ مَعَانِيهَا وَسَبَبِ سُؤْلِهَا وَلَطَائِفِهَا وَبَيَانِ مُشْكَلَاتِهَا وَبَيَانِ قِصَّتِهَا وَقِرَائَتِهَا وَلُغَتِهَا...» (۱۳۹ر). اگر فرض بشری را بپذیریم، می‌توانیم نتیجه بگیریم که: عباراتی از تذکره‌الاولیای عطار<sup>۲</sup>، ابیات سعدی و مولوی از برافزوده‌های کاتب یا کاتبان است (؟) تاریخ کتابت در پایان سوره «آل عمران» پنج‌شنبه ۹ جمادی الاولی ۸۹۸ رقم خورده است و به سبب این که «اول و آخر این کهنه کتاب افتاده‌ست» نامی از کاتب نسخه را نمی‌یابیم.

این اثر در تنها دست‌نوشته باقی‌مانده‌اش اکنون به شماره ۱۱۹۳۰ در کتابخانه مجلس نگهداری می‌شود (فهرست مجلس، ج ۳۴، ص ۸۸). نسخه مزبور که در فهرست کتابخانه مجلس به اختصار تمام معرفی شده است پیش از این در تملک مجموعه - دار مشهور، استاد سید محمدعلی روضاتی بوده که در صفحه دوم نسخه، درباره آن نوشته است: «نسخه نفیسه عتیقه ممتازه، یکی از اقدم تفاسیر قرآن مجید به زبان فارسی که تاریخ کتابت آن در آخر سوره آل عمران پنج‌شنبه ۹ جمادی الاولی ۸۹۸ قید شده است. مِنْ مَوَاهِبِ الْبَارِي عَزَّ اسْمُهُ وَجَلَّ ذِكْرُهُ لَدَى الرَّاجِي رَحْمَتَهُ وَغَفْرَانَهُ السَّيِّدِ مُحَمَّدِ عَلِيِّ رَوْضَاتِي الْأَصْفَهَانِي وَقَدْ إِشْتَرَيْتُهُ بِثَمَنِ غَالٍ جَدًّا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى نِعْمِهِ كُلِّهَا».

۱. البته تعداد سطور در برگه‌ها متفاوت است برخی از برگه‌ها ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵ سطر هم دارند.

۲. حکایت می‌آرند که سفیان ثوری - رَحِمَهُ اللَّهُ - با جماعتی به نزدیک آن مخدره خدر خاص، و آن مستوره ستر اخلاص، آن سوخته عشق و اشتیاق، آن شیفته قرب و احتراق، آن ثانیه مریم و صفیه، آن مقبول الرجال<sup>۲</sup> زَائِعَةٌ عَدْوِيَّةٌ - رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهَا - درآمدند و حال او را با خلل دیدند... آن غرق بحر دولت آن آبربرق عزت آن گردن شکن مُدْعِيَانِ، آن گردن فراز<sup>۲</sup> متقیان، آن برتر از عالم حسنی و عقلی شیخ عالم شیخ ابوبکر شبلی...

سوره‌های به جای مانده نسخه مذکور، شامل ترجمه آیات، شأن نزول و محل نزول آیات، عدد آیات و حروف سور و تفسیر آنها است و بیشتر بر اساس روایاتی است که از عبدالله عباس پسر عم پیغمبر (ص) به او رسیده است. مفسر آیات را به پاره‌هایی بخش کرده؛ سپس ترجمه یا تفسیر آن را آورده است. شماره آیات ذکر نشده است.<sup>۱</sup> در سوره «بقره»، گاه ترکیب عربی «قَوْلُهُ - عَزَّوَجَلَّ -» در آغاز و وسط هر بخش از آیه آمده و گاه نیامده است و قسمت‌های از قلم افتاده در حاشیه افزوده شده است؛ اما در سوره «آل عمران»، گاه این عبارت را آورده و گاهی جای آن را خالی گذاشته است. به نظر می‌رسد بعدها فراموش کرده است عبارت مذکور را بیاورد. در سوره نساء نیز این عبارت را همه‌جا به رنگ سرخ، نوشته است.<sup>۲</sup> در سر سوره «آل عمران» اسم سوره و تعداد آیات با شنگرف نوشته شده است و فضیلت خواندن آن ذکر گردیده است، ولی در سر سوره «نساء» از شنگرف استفاده نکرده است؛ بلکه با خط سیاه کمی درشت‌تر از متن آورده است. در حواشی بعضی از صفحات، کلمات یا جملاتی نوشته شده که به نظر می‌رسد از کاتب باشد و یا بعدها توسط شخص دیگری افزوده شده باشد (؟). به جز چند مورد که ناخوانا هستند و حاوی مطالب قابل توجهی نیستند؛ سایر موارد، حواشی سودمندی است که در سمت چپ یا راست برخی از صفحات دیده می‌شود. این حواشی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد. دسته اول، مربوط است به اختلاف قرائت نزد قراء سبعة. دسته دوم، مربوط است به افزودن برخی از جافتادگی‌های داخل متن؛ از جمله جافتادگی قسمتی از جمله و جملات دعایی. دسته سوم مربوط است به ترجمه برخی از کلمات که گاهی به صراح (صِرَاحُ اللَّغَةِ) ارجاع داده است. علاوه بر این‌ها، موارد معدودی را اصلاح کرده و با حروف اختصاری «خ»، «صح» و «غ» نشان داده شده است که ممکن است از روی نسخه دیگری، متن را اصلاح کرده باشند.

مفسر گاهی از اشعار فارسی و عربی بهره برده است. اشعار فارسی بیشتر از پنج بیت نیست. یک بیت آن از مولوی است<sup>۳</sup> و دو بیت از سعدی<sup>۴</sup> و دو بیت از شاعری ناشناس<sup>۵</sup>، که متأسفانه نام شاعر یافت نشد و ایراد وزنی نیز دارد. اشعار عربی، سی و شش بیت و دو نیم مصرع است. خوشبختانه، سراینده اکثر ابیات یافته شد. برخی از ابیات به چند گونه ضبط شده، برخی نیز نادرست ضبط شده بودند که به تمامی موارد در تعلیقات اشاره شده است.<sup>۶</sup>

## ۱-۲-۱- ارزش نسخه حاضر

با همه مزایای تاریخی، اجتماعی، روایی و تفسیری بی که در این نسخه وجود دارد، اهمیت اصلی این تفسیر در جنبه ادبی و به لحاظ تحقیقات تاریخی زبان فارسی؛ اعم از واژگان و شناسه‌های گونه‌های تاریخی زبان، تلفظ خاص برخی از کلمات، ویژگی‌های آوایی و زبانی و شیوه‌های رسم الخط است. همان‌گونه که مذکور افتاد در پاره‌هایی که مؤلف از تفسیر آیات

۱. شماره‌گذاری آیات و اعراب‌گذاری عبارات عربی، احادیث و اشعار عربی از مصحح است.

۲. مصحح، جمله‌هایی دعایی عربی از قبیل عَزَّوَجَلَّ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، تَعَالَى و سایر، را تصحیح و اعراب گذاری کرد و داخل دو خط تیره آورد. در صورت جافتادگی عبارت مذکور را داخل دو قلاب افزود.

۳. «وَعَدَةُ أَهْلِ كَرَمِ گَنْجِ رَوَانِ \* وَعَدَةُ نَا أَهْلِ شُدِ رَنْجِ رَوَانِ».

۴. «مَبْرَ حَاجَتِ بَه نَزْدِيكِ تُرَشِ رُوِي \* كِهَ اَز خُوِي بَدَش فَرَسُوْدَه گَرْدِي \* اَكْغَر حَاجَتِ بَرِي نَزْدِ كِسِي بَر \* كِهَ اَز رُوِيَش بَه نَقْدِ اَسُوْدَه گَرْدِي»

۵. «چشم تو به غیرم نگرید برکنمش \* پای تو به کویم نرود بشکنمش \* ور زانک دلت را به جز از من میلی آن \* بیرون کشمش پیش سگان افکنمش»

۶. در ترجمه ابیات عربی از آقای دکتر عبدالحسین فرزاد یاری جستم، مساعدشان مشکور است.

پرداخته، به توصیف آنات می‌پردازد زیبایی در کلام او موج می‌زند. برای نمودن نغزی کلامش به چند نمونه بسنده می‌شود: «چون شب درآمد و چادر سیاه بر سر عجزه گیتی افکندند و مناكب كُنْبَد خَضْرًا از کواكب زهرا آراسته شد ثعلبه به زیر آن درخت درآمد» (۲۰۹پ). گاه کلامش به کلام خواجه انصاری می‌ماند: «خدای - تَعَالَى - پیامرزا که<sup>۱</sup> از این فرمان غافل نباشد و کمر مسارعت بر میان بندد و غم روز در ماندگی نخورد پیش از آنک اگر خواهد نتواند و قدم مسارعت از کار فرو ماند. یکی دامن از ثوب معاصی در چین و از سر کوی هواپرستی روی به کوی خداپرستی آرز و هر چه تورا از خدای - عَزَّوَجَلَّ - بازدارد، فروگذار. اگر رستن خواهی راست باش و رستی و اگر جستن خواهی پاک باش و جستی، خط نسیان در خطه غم این جهان کش که کار روزی نکرده اند غم آن جهان خور که از بیکاری کاری بر نیاید» (۲۰۷ر) و گاه عباراتی از تذکرة الاولیاء می‌آورد: «حکایت می‌آزند که سفیان ثوری - رَحِمَهُ اللهُ - با جماعتی به نزدیک آن مخدره خدر خاص، و آن مستوره ستر اخلاص، آن سوخته عشق و اشتیاق، آن شیفته قرب و احتراق، آن ثانیه مریم و صقیه، آن مقبول الرجال<sup>۲</sup> رَابِعَهُ عَدْوِيَّه - رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهَا - درآمدند و حال او را با خلل دیدند، یکی گفت: یا رابعه! روا داری تا من به نزدیک مَلِكِ این شهر روم و از حال بی‌نوایی<sup>۳</sup> تو خبر دهم که او ملک با خیرات است باشد که با تو احسانی کند؟ رابعه گفت: ای جوانمرد این دنیا به حقیقت مَلِكِ کیست؟ گفت: خدای راست - عَزَّوَجَلَّ - . گفت: به دست این ملک چیست؟ گفت: عاریت؛ پس رابعه گفت: من شرم می‌دارم از مَلِكِ به حقیقت که مَلِكِ دُنْيَا خواهم، ننگ دارم<sup>۴</sup> که از عاریت‌دار چیزی خواهم؟» (۲۰۷پ). و آن‌گاه که در آفرینش جهان می‌گوید: «قَوْلُهُ - عَزَّوَجَلَّ - : إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْخِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ»<sup>۵</sup>: هر آینه در آفرینش آسما و زمین - و آنچه در وی است؛ از آفتاب و ماه و ستارگان و ابر و باران و آنچه در زمین است؛ از جبال و تلال و قفار و انهار و اشجار - و در اختلاف<sup>۶</sup> شب و روز - در لون ایشان، و آمد و شد، و زیادت و نقصان ایشان - نشانی هاست مر خردمندان را بر هستی و یگانگی آفریدگار - عَزَّوَجَلَّ - که هر خردمندی که نظاره کند این سَقْفِ رفیع را و این بساط منیع را ببیند در هوا ایستاده، بی‌عمادی و علاقه‌ای برداشته، و هزاران هزار نقطه نورانی و شموع مرجانی بر چهره زیبای او، بعضی ثابت و بعضی سیّاره و بعضی حارس و بعضی دَوّاره، و در زمین نگرد بساطی ببیند از خاک بر روی آب پاک گسُترده و حَقّه‌های لآلی و درر و عَنبر در آب تعبیه کرده، کان گوهر در اجزای سَنگ و خاک نهاده، جرم گران چون آسمان را بَر مَثَنِ هوای رقیق نهاده و چشم<sup>۷</sup> ثقیل بساط خاک را بر کتف آب لطیف نهاده هر که به طریق اعتبار در این کنبذ دَوّار و آثار قدرت آفریدگار نظر صافی مبذول دارد داند که این مصنوعات را صانعی قدیم است و این موجودات را مبدعی است حکیم ﷻ پس صفت این خردمندان را یاد کرد و گفت» (۲۳۰ر). افزون بر این، واژگان متن ارزش بسیاری دارند و سند ادبی مهمی

۱. آن که

۲. تا این جای عبارت به نقل از تذکرة الاولیاء است (عطار، ۱۳۹۸: ۶۶۷/۱).

۳. اصل: «بِئِي نَوَائِي»

۴. ظ: ندارم

۵. آل عمران/۱۹۰

۶. آمد و شد و تردد کردن

۷. جسم